

وزیر نیرو:

آمادگی ایران برای توسعه همکاری با روسیه در صنعت آب و برق

صادرات برق و دسترسی به شبکه‌های مناسب برای انتقال برق به کشورهای همسایه، از دیگر مزیت‌های مهم است. همچنین پشتیبانی قانونی و حمایت قوانین از سرمایه‌گذاران، امنیت و اطمینان بالایی برای فعالیت‌های اقتصادی در این بخش برای سرمایه‌گذاران فراهم کرده است.

وزیر نیرو به ظرفیت‌های انرژی‌های تجدیدپذیر نیز اشاره کرد و گفت: ایران از شرایط طبیعی بسیار مناسبی برخوردار است، از جمله زمین ارزان و بدون محدودیت برای سرمایه‌گذاری در این بخش، منابع غنی باد و خورشید و زیرساخت‌های مناسب که امکان سرمایه‌گذاری تا ۳۰ هزار مگاوات در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر را فراهم می‌کند.

علی‌آبادی افزود: ما در حوزه‌های مختلف از جمله توربین‌های گازی و بخاری، ساخت پنل‌های خورشیدی، فناوری‌های آینده، الکترونیک قدرت و میکروالکترونیک آماده توسعه همکاری با روسیه هستیم. همچنین شرکت‌های ایرانی در زمینه تولید سوپرآلیاژ، کامپوزیت، سیستم‌های کنترل و ذخیره‌سازی باتری چه به صورت شیمیایی و چه تلمبه‌ای، دارای تجربیات و توانمندی‌های قابل توجهی هستند که در این زمینه‌ها نیز امکان توسعه همکاری‌ها وجود دارد. وی همچنین با اشاره به ظرفیت‌های موجود در حوزه مدیریت مصرف و هوشمندسازی شبکه‌های برق گفت: ایران آماده است در زمینه مدیریت مصرف، توسعه فناوری‌های جدید و همچنین تولید آب از منابع شور و لب‌شور از طریق پمپ‌های فشار قوی، همکاری‌های گسترده‌ای با شرکت‌های روسی داشته باشد. وزیر نیرو در پایان با تاکید بر تجربیات موفق گذشته و زیرساخت‌های قوی موجود از شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران بین‌المللی دعوت کرد تا از فرصت‌های کم‌نظیر بازار انرژی ایران بهره‌مند شوند.



وزیر نیرو با بیان اینکه بازار برق ایران جذاب و فرصت‌محور است، از آمادگی کامل ایران برای توسعه همکاری‌ها با روسیه در صنعت آب و برق خبر داد.

به گزارش مهر به نقل از وزارت نیرو، عباس علی‌آبادی، وزیر نیرو جمهوری اسلامی ایران، در نشست هم‌اندیشی با فعالان اقتصادی روسیه در خصوص جذابیت‌های بازار انرژی ایران و فرصت‌های همکاری بین‌المللی اظهار کرد: بازار انرژی در ایران، به‌ویژه در حوزه برق، بازار بسیار جذابی است. ما تجربه همکاری بسیار خوبی با شرکت‌های روسی در این زمینه داریم و این تجربیات موفق، پشتوانه‌ای برای ادامه و توسعه همکاری‌های آینده است.

وی با اشاره به برخی مزیت‌های ویژه بازار برق ایران تصریح کرد: اولین مسئله جذابیت این بازار، نبود رقیب دولتی است. دولت متعهد است بخشی از نیاز جامعه به برق را تأمین کند، اما سایر ظرفیت‌ها به سرمایه‌گذاران واگذار می‌شود که این خود فرصتی طلایی برای فعالیت در این حوزه است. علاوه بر این، امکان

وزارت جهاد کشاورزی وعده داد:

آرامش به بازار روغن برمی‌گردد



دبیر ستاد امنیت غذایی وزارت جهاد کشاورزی با اشاره به حواشی ایجاد شده در خصوص افزایش قیمت و کمبود روغن خوراکی در بازار گفت: «خروج سرمایه‌گذار خارجی از کشور یکی از دلایل ایجاد جو روانی مبنی بر کمبود روغن و افزایش قیمت در بازار بود، در حالی که سهام این کارخانه به سرمایه‌گذار داخلی واگذار شد و تولیدات کارخانه، و تأمین مواد اولیه همانند گذشته در حال انجام است».

اکبر فتحی، بالا رفتن قیمت جهانی روغن را دیگر دلیل نابسامانی ایجاد شده به لحاظ روانی در بازار روغن اعلام کرد و افزود: «بالا رفتن قیمت جهانی و سقف ارزی که برای کالاهای اساسی در نظر گرفته شده است، قیمت جهانی روغن را افزایش داد، اما مواد اولیه وارد شده به کشور کفاف نیاز فعلی را می‌دهد».

وی تأکید کرد: «روغن خوراکی به اندازه کافی در انبارها موجود است و به‌زودی شاهد آرامش در بازار روغن خواهیم بود».

به گزارش فردای کرمان به نقل از خبرگزاری صدا و سیما، دبیر ستاد امنیت غذایی وزارت جهاد کشاورزی به اقدامات دولت برای حل مشکلات اشاره کرد و یادآور شد: «در روزهای اخیر ثبت سفارش مازاد بر نیاز داخلی را انجام داده‌ایم و مواد اولیه که در بنادر در نوبت ترخیص است، به‌زودی وارد چرخه توزیع خواهد شد».

وی تأکید کرد: «وبترین فروشگاه‌ها و انبارهای خصوصی و دولتی نشانگر تأمین

نایب رئیس اتحادیه املاک تهران:

کاهش قیمت ملک و رونق معاملات بازار مسکن تا عید ۱۴۰۴

رشد قیمت‌ها در بازار اجاره، خرید و فروش مستأجران دیگر به خرید خانه فکر نمی‌کنند، زیرا با مبالغ آنها فاصله زیادی دارد. به طور مثال پول رهن برخی از آپارتمان‌های تهران مطابق قیمت خرید چند سال گذشته همان واحد مسکونی است.

نایب رئیس اتحادیه املاک با اشاره به قانون پیش فروش مسکن در دهه ۹۰ تأکید کرد: قانون پیش فروش مسکن در ابتدای دهه ۹۰ تصویب شد، که اگر این قانون اجرایی می‌شد عملاً گردش مالی که به واسطه این قانون اتفاق می‌افتاد، موجب تولید مسکن می‌شد اما در حال حاضر باتوجه به اینکه امکان ثبت قرارداد پیش‌نویس توسط مشاوران املاک نیست، قراردادهای پنهانی بین عموم مردم افزایش یافته، که قطعاً به نفع مردم خواهد بود و نه نفع حاکمیت.

وی یادآور شد: از سال‌های گذشته کم‌کاری بانک در زمینه ارائه تسهیلات به قشر کرایه‌نشین برای خرید ملک پررنگ و واضح است؛ بر همین اساس انتظار می‌رود دولت برای انجام تعهدات مسکنی خود در راستای قانون جهش تولید مسکن، بازنگری جدی در عملکرد اعطای وام تسهیلات مسکن بانک‌ها داشته باشد، زیرا بخش گسترده‌ای از خانه‌دار شدن واجدین شرایط در گرو بانک‌ها است و از سوی دیگر منابع اصلی کشور در اختیار بانک‌ها قرار دارد.

بیگی‌نژاد در پایان گفت: به نظر می‌رسد، طبق سنوات گذشته در هفته‌های پایانی سال رفت و آمد در بازار مسکن افزایش یابد، زیرا طبق عادت خانوارها در پایان هر سال تصمیم به خرید ملک یا آپارتمان بزرگ‌تر می‌گیرند.

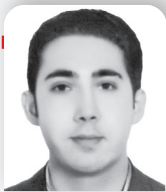


نایب رئیس اتحادیه املاک تهران گفت: با توجه به سنوات گذشته، به نظر می‌رسد رفت و آمد خریداران به بازار مسکن در آستانه عید ۱۴۰۴ افزایش یابد، به عبارت دیگر قیمت‌ها کاهش و معاملات رونق گیرد.

داوود بیگی‌نژاد نایب رئیس اتحادیه املاک در گفتگو با مهر اظهار کرد: رکود تورمی در بازار اجاره‌بها، خرید و فروش مسکن حاکم است؛ البته رکود در بازارهای موازی دیگر نیز وجود دارد اما به طور کلی خریداری در بازار خرید و فروش مسکن نیست

وی افزود: رشد نرخ اجاره‌ها با توان مالی مستأجران همسو نیست و با توجه به

سر مقاله



تحلیلی بر کاهش دستمزد حقیقی

حسین جلیلی / دانشجوی دکتری دانشگاه سایمون فریزر

در سال‌های اخیر، شرایط تورمی در ایران باعث کاهش نرخ دستمزد حقیقی شده است؛ به این معنا که قدرت خرید خانوارها با وجود افزایش اسمی حقوق کاهش یافته است. این مساله به یکی از چالش‌های اساسی اقتصاد کشور تبدیل شده است.

کاهش دستمزدها، اگر چه ممکن است در کوتاه‌مدت به کاهش هزینه‌های تولید و افزایش رقابت‌پذیری کسب‌وکارها کمک کند، اما پیامدهای گسترده‌ای در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی به همراه دارد. این تغییر می‌تواند بر مصرف خانوارها، سطح رفاه اجتماعی، نابرابری اقتصادی و حتی رفتار بنگاه‌ها در حوزه سرمایه‌گذاری و فناوری تأثیرگذار باشد. سوال اصلی این است که آیا کاهش دستمزدهای تئوریک به پیوند عملکرد اقتصادی کمک کند یا اینکه مشکلات جدیدی برای جامع به وجود می‌آورد؟ در این مقاله، به بررسی این موضوع از منظر تئوری‌های اقتصادی پرداخته شده و تأثیرات این پدیده بر ابعاد مختلف اقتصادی تحلیل می‌شود.

۱- رکود اقتصادی

یکی از مباحث مهم در تحلیل اثرات کاهش دستمزد حقیقی، تأثیر آن بر تولید کل و رکود اقتصادی است. در این بخش، این مساله از دیدگاه تئوری‌های کلاسیک و کینزی بررسی می‌شود. هر چند براساس تئوری کلاسیک، کاهش دستمزد حقیقی می‌تواند هزینه‌های تولید را برای بنگاه‌ها کاهش دهد و منجر به افزایش اشتغال شود. از سوی دیگر اقتصاددانان کینزی معتقدند که کاهش دستمزد حقیقی می‌تواند از طریق کاهش مصرف و سرمایه‌گذاری، تقاضای کل را کاهش دهد و در نتیجه، تولید کل اقتصاد تحت تأثیر منفی قرار دهد. این دیدگاه بر این نکته تأکید دارد که کاهش قدرت خرید کارگران باعث کاهش تقاضای کالاها و خدمات می‌شود و این مساله بنگاه‌ها را مجبور به کاهش تولید و نیروی کار می‌کند.

۲- افزایش نابرابری

کاهش دستمزدهای حقیقی به‌ویژه در میان طبقات پایین می‌تواند شکاف طبقاتی را افزایش دهد. کاهش دستمزد حقیقی معمولاً گروه‌های کم‌درآمد را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد. از دیدگاه تئوری توزیع درآمد، این کاهش به افزایش نابرابری درآمدی منجر می‌شود. در شرایطی که ثروت در دست گروه‌های خاصی متمرکز است، کاهش دستمزد حقیقی می‌تواند به تشدید شکاف طبقاتی منجر شود و بی‌ثباتی اجتماعی را افزایش دهد.

۳- کاهش سرمایه‌گذاری

یکی از پیامدهای مهم کاهش دستمزد حقیقی، افت شدید سرمایه‌گذاری است. بر اساس مدل چرخه‌های تجاری (Real Business cycles)، سرمایه‌گذاری بیشتر از درآمد و مصرف تحت تأثیر دوره‌های رونق و رکود قرار می‌گیرد؛ به این معنی که با کاهش درآمد سرمایه‌گذاری بیش از پیش کاهش می‌یابد و هر چقدر به سمت دهک‌های درآمدی کمتر بر خوردار حرکت کنیم به دلیل کم‌کشت بودن مصرف، افت سرمایه‌گذاری بیشتر خواهد بود. کاهش سرمایه‌گذاری در بلندمدت می‌تواند رشد اقتصادی را محدود و کشور را در تله فقر (Poverty trap) گرفتار کند. در چنین شرایطی، اقتصاد دچار دور باطل کاهش درآمد، کاهش سرمایه‌گذاری و کاهش رشد می‌شود که خروج از آن بسیار دشوار است.

۴- افزایش فقر

کاهش دستمزد حقیقی به این معنی است که اشتغال در حال دست دادن ماهیت فقرزدایی است و افراد شاغل با وجود مشارکت در بازار کار نمی‌توانند معیشت و زندگی خود را تأمین کنند. سرکوب دستمزد نیروی کار و متعاقب آن مستحضر بازنشستگان باعث گسترش فقر در کشور می‌شود. طبقه متوسطی که عمده دارایی و منشأ خلق ارزش آنها نیروی کارشان است، در شرایط تورمی حاکم، روز بروز قدرت خرید خود را از دست می‌دهند و به سمت فقر سوق پیدا می‌کنند. فقر مطلق می‌تواند پیامدهای اجتماعی فراوانی به دنبال داشته باشد.

۵- افزایش مهاجرت نیروی کار متخصص

کاهش دستمزد حقیقی می‌تواند مهاجرت نیروی کار ماهر به کشورهای دیگر را تشدید کند. کاهش انگیزه برای باقی ماندن در کشور و جست‌وجوی فرصت‌های بهتر در بازارهای کار خارجی، به خروج نیروهای متخصص و ماهر منجر می‌شود. کاهش نیروی کار ماهر بهره‌وری اقتصاد را کاهش می‌دهد و ظرفیت تولید را محدود می‌کند.

۶- کاهش بهره‌وری

آدام اسمیت بر این باور بود که سطح معیشت مناسب برای نیروی کار، برای بهره‌وری و توسعه اقتصادی ضروری است. از منظر تئوری رشد درون‌زا، کاهش دستمزد حقیقی می‌تواند انگیزه نیروی کار برای افزایش بهره‌وری را کاهش دهد. از طرف دیگر، کاهش سرمایه‌گذاری عمومی و خصوصی باعث کاهش احتمال سرمایه‌گذاری در مهارت‌آموزی می‌شود و بهره‌وری از این مسیر نیز کاهش می‌یابد.

۷- کاهش اشتغال

در سال‌های اخیر سیاست‌گذاران بازار کار ایران، سیاست کاهش حداقل دستمزد حقیقی را در پیش گرفته‌اند. آنها به استناد نظریه متعارف و متقدم علم اقتصاد یکی از دلایل این تصمیم خود را جلوگیری از کاهش اشتغال ذکر کرده‌اند؛ حال آنکه چگونگی تأثیر افزایش دستمزد بر بازار کار پیچیدگی‌های بیشتری دارد. ابتدایی‌ترین مدل اقتصاد یعنی مدل عرضه و تقاضای گوید هر چه قیمت یک کالا بیشتر شود، تقاضای خرید آن کمتر می‌شود. مثلاً اگر دستمزد نیروی کار افزایش یابد، تقاضای برای استفاده از آن کاهش می‌یابد و مشاغل زیادی از دست می‌رود.

۸- تشدید ناترازی صندوق‌های بازنشستگی

در حالی که در سال‌های اخیر بحث ناترازی صندوق‌های بازنشستگی به یکی از چالش‌های اقتصاد کشور تبدیل شده است، در صورت کاهش تعداد کارگران و رفتن آنها به سمت مشاغل خوداشتغالی، تعداد ورودی بیمه‌پردازان به صندوق‌های بازنشستگی کاهش چشمگیری خواهد داشت. از طرف دیگر میزان پرداختی حق بیمه درصدی از حقوق و دستمزد است که در صورت کاهش دستمزد حقیقی، ورودی به این صندوق‌ها نیز به ازای هر کارگر کاهش خواهد یافت. در نتیجه همین امر، ناترازی صندوق‌های بازنشستگی را تشدید خواهد کرد. کاهش دستمزد حقیقی در ایران، اگر چه در نگاه نخست ممکن است به کاهش هزینه‌های تولید و افزایش رقابت‌پذیری بنگاه‌ها کمک کند، اما اثرات جانبی گسترده‌ای در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی دارد که نمی‌توان از آنها چشم‌پوشی کرد. مطالعات نشان می‌دهند که سیاست‌های کاهش دستمزد حقیقی، نه تنها ممکن است به اهداف اولیه خود دست نیابد، بلکه در بلندمدت باعث ورود اقتصاد به دور باطلی از کاهش بهره‌وری، کاهش سرمایه‌گذاری و افزایش نابرابری می‌شود. تجربه‌های جهانی، مانند آزمایش دیوید کاردو آلن کروگر در آمریکا، حاکی از آن است که سیاست‌های حمایت از دستمزد نه تنها می‌تواند رفاه نیروی کار را بهبود بخشد، بلکه در شرایط مناسب، حتی به افزایش اشتغال نیز منجر می‌شوند.

در نهایت، کاهش دستمزد حقیقی تنها یک علامت از مشکلات عمیق‌تر اقتصاد ایران است. برای مقابله با این چالش‌ها، نیازمند سیاست‌هایی هستیم که علاوه بر تقویت عدالت اجتماعی، بنیان‌های اقتصادی کشور را بازسازی کنند. به این ترتیب، می‌توان مسیری را ترسیم کرد که هم رشد اقتصادی و هم رفاه اجتماعی را به ارمغان آورد.